

نماینده‌گی حزب توده ایران در اجلاس جهانی احزاب کارگری - کمونیستی جهان



سخنرانی نماینده رهبری حزب توده ایران و گزارش کامل فعالیت آن در طول اجلاس در شماره آینده نامه مردم منتشر خواهد شد.

هفتمین اجلاس جهانی احزاب کارگری - کمونیستی جهان در روزهای ۲۷ الی ۲۹ آبان ماه جاری، در آتن پایتخت یونان، برگزار شد. در این اجلاس پراهمیت که با عنوان «گرایش‌های معاصر در کاپیتالیسم: اثرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - و آلترناتیو کمونیست‌ها» برگزار شد هیئت‌های نمایندگی از ۷۳ کشور از پنج قاره جهان شرکت داشتند. حضور هیئت‌های بلند پایه از احزاب کمونیستی قدرتمند جهان و از جمله رفیق گنادی زیوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، و وسعت موضوعات مورد بحث و توافق‌های جمعی حاصل شده، نمایش گر اهمیت روز افزون این اجلاس سالانه است. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت حزب برادر و کمیته برگزار کننده این اجلاس در آن شرکت فعال داشت. متن



شماره ۷۲۶، دوره هشتم
سال بیستم، ۱ آذر ماه ۱۳۸۴

بحران روبه رشد رژیم ولایت فقیه

در حالی که کمتر از چند روز به آغاز جلسه دوره ای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی هسته ای باقی نمانده است، تحولات کشور به سمت هرچه بحرانی تر شدن وضعیت پیش می رود. اقدام‌های هدفمند و سازمان یافته ارتجاع پس از گذشت سه ماه از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، میهن ما را در عرصه داخلی و خارجی با چالش‌های فوق العاده خطرناکی مواجه ساخته است. طی هفته‌های اخیر اختلافات در درون و پیرامون حاکمیت و به موازات آن رشد نارضایتی اجتماعی، اوضاعی را پدید آورد که در آن مدافعان احمدی نژاد برای رهایی جستن از این اوضاع به یک رشته فعالیت‌های تنش زا و پر مخاطره دست یازیدند. یکی از مهمترین این اقدامات، طرح دشمن تراشی و بحران آفرینی مصنوعی بود که در رسانه‌های همگانی بازتاب گسترده ای داشت. ماجرا از آنجا شروع شد که، در جلسه مجلس به منظور بررسی رای اعتماد به وزرای پیشنهادی احمدی

ادامه در صفحه ۲ و ۳

دولت «عدالت اسلامی» با شرکت پاسداران میلیاردر

حوزه‌های عنوان شده تخصص و تجربه کافی ندارد. او با اشاره به تحصیلات و سابقه کاری گزینه پیشنهادی احمدی نژاد تصریح کرد: «ایشان ۱۷ سال کار در پتروشیمی آن هم در مدیریت دست سوم و چهارم فعالیت کرده و مسوولیت وی یک شرکت فرعی از شرکت نفت در سطح انبارگردانی بوده است.» در روزهای اخیر خبرهای گوناگونی درباره گذشته تسلطی و از جمله اینکه او دارای «کارت سبز» اقامت در آمریکا است نیز مطرح شده بود. پایگاه اینترنتی «امروز»، به نقل از «بازتاب» که توسط محسن رضایی اداره می شود، در زمینه علت مخالفت با تسلطی به نکته دیگری اشاره کرد و نوشت: «پخش شایعه‌ای در میان نمایندگان مجلس در رابطه با نقل قولی از رئیس‌جمهور، موجب نارضایتی شدید تعدادی از نمایندگان در جریان رأی اعتماد شد. پخش شایعه‌ای حاوی نقل قول

ادامه در صفحه ۶

محسن تسلطی، سومین وزیر پیشنهادی دولت احمدی نژاد با ۷۷ رأی موافق، ۳۸ رأی ممتنع و ۱۳۹ رأی مخالف موفق به کسب رأی اعتماد مجلس نشد. در سخنانی که مخالفان تسلطی در مجلس مطرح کردند روشن است که او نیز بخشی از مافیای وابسته به نظامیان، شبه نظامیان و مرتجعان حاکم است که بدون داشتن هیچ گونه تجربه مناسبی برای اشغال یکی از مهمترین وزارت خانه‌های کشور پیشنهاد شده بود. هدایت خواه، یکی از نمایندگان مجلس که در مخالفت با تسلطی سخنرانی کرد از جمله گفت: «ایشان فردی است که دارای جرات و جسارت برای تحول نیست و به شدت محافظه کار است.» وی با اشاره به اهمیت وزارت نفت افزود: «این وزارتخانه تامین کننده ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور و ۱۵۰ شرکت زیر مجموعه آن است و از نظر سیاسی نیز چون کالای استراتژیک تولید می کند، حساس است.» هدایت خواه تصریح کرد: «متأسفانه وزیر پیشنهادی در هیچ یک از

«یورش همه جانبه به منافع و حقوق زحمتکشان» در ص ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه بحران روبه رشد رژیم ...

نژاد، رئیس جمهوری ارتجاع هنگامی که با تاخیر معنادار در جلسه حاضر شد، زبان به انتقاد و شکایت از تبلیغات سنگین علیه خود و دولتش گشود و با زبانی تحکم آمیز و گزنده هر گونه توهین به رئیس جمهوری را جرم محرز دانست. به دنبال این سخنان خبرگزاری فردا، به تاریخ ۱۹ آبان ماه، به نقل از منابع نزدیک به رئیس جمهوری گزارش داد: «کمیته ای مخفی با هدف ساقط کردن دولت از سوی مخالفان احمدی نژاد تشکیل شده است و هدف آن برنامه ریزی برای راه اندازی جنگ روانی گسترده علیه رئیس جمهوری است.»

همین خبرگزاری در ارائه گزارش خود افزود: «یکی از منابع نزدیک به رئیس جمهوری که خواست نامش فاش نشود گفت اعضای این کمیته در آخرین نشستشان، هدف نهایی خود را زمینه سازی برای طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور اعلام کرده و برای فراهم سازی مقدمات آن برنامه ریزی کرده اند.» جالب اینجاست که شخص احمدی نژاد نیز در حاشیه جلسه مجلس برای بررسی چهار وزیر پیشنهادی در پاسخ به پرسش خبرنگاری در باره زمزمه های طرح عدم کفایت با کنایه پاسخ داده بود. سایت امروز، در تاریخ ۱۹ آبان ماه، ضمن انتشار این خبر نوشت: «خبرنگار پرسید: آیا فکر می کنید برای دومین بار این اتفاق [طرح عدم کفایت رئیس جمهوری پس از مورد بنی صدر] رخ دهد؟ احمدی نژاد گفت: خیلی ممنون از شما، این آرزوی برخی گروه های سیاسی است.»

به دنبال این گزارش ها، در تاریخ ۲۲ آبان ماه، خبرگزاری فردا و چند پایگاه خبری دیگر، خبری را با این عنوان مخابره کردند: «طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهوری در مجلس کلید خورد، فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی، در اقدامی بلند پروازانه و جنجال آفرین طرح موضوع عدم کفایت سیاسی رئیس جمهوری را در حالی که تنها بیش از دو ماه از آغاز به کار دولت محمود احمدی نژاد می گذرد آغاز کرد.» اما اصلاح طلبان حکومتی که در مجلس هفتم فراکسیون اقلیت را تشکیل می دهند، بلافاصله این اقدام را تکذیب کردند. محمد رضا تابش دبیر این فراکسیون اعلام داشت: «ما تکذیب می کنیم، به شدت هم تکذیب می کنیم این یک توطئه و فرافکنی است.»

برای درک بهتر ابعاد تنش های کنونی توجه به کشمکش میان باندهای هوادار احمدی نژاد به رهبری ولی فقیه و دیگر نیروهای جناح ارتجاع و نیز هاشمی رفسنجانی و پیروانش ضروری و با اهمیت است.

رفسنجانی در جریان نوزدهمین همایش ائمه جمعه سراسر کشور و در گرماگرم اختلافات جناحی و تحریکات احمدی نژاد بار دیگر دولت احمدی نژاد و سیاست های آن را مورد حمله قرار داد، رفسنجانی در این خصوص یادآور شد: «شرایط داخلی خطر تهاجم خارجی را جدی کرده است، امروز جامعه ما به گونه ای شده است که عده ای حالت تهاجمی به خود گرفته اند. این جریان به حذف، تسویه و منزوی کردن برخی افراد دست زده است

و حتی قصد دارند نیروهای این نظام را با بدنام کردن منزوی کنند... اگر این روند ادامه پیدا کند به طور قطع نیروهای مقاوم نیز دست به تهاجم و دفاع از خود خواهند زد و این باعث افزوده شدن مشکلات می شود... باید به گونه ای عمل کنیم تا انرژی ما تنها صرف طرد و جنگ و دعوا نشود... این مساله تهاجم خارجی همیشه وجود داشته است ولی امروز شرایط ویژه ای است به خصوص شرایط داخلی این خطر را جدی کرده است.»

وی در همین سخنرانی باز هم بر نقش مجمع تشخیص مصلحت به عنوان ارگانی فرای سه قوه و کنترل کننده آنها تاکید کرد و متذکر شد: «نظارت بر عهده رهبری است و ایشان تشخیص داده اند که این امر را به مجمع تشخیص مصلحت نظام بسپارند... کار عمده ما این است که تصمیمات بر خلاف سیاست های کلی گرفته نشود، کار بعدی ما ایجاد شاخص هایی برای تعیین اجرای این سیاست هاست. باید سالانه به مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش داده شود تا مشخص شود که این سیاست ها به چه مقدار انجام شده و اگر به درستی انجام نشده است، مشکل کجاست.» در مقابل این موضع گیری ها، اظهار نظر هواداران احمدی نژاد، از جمله پورمحمدی وزیر کشور، قابل تأمل است. پور محمدی در همان همایش ائمه جمعه خاطر نشان ساخت: «با سطح بالای توقعات و انتظارات مواجه هستیم، دست اقتصاد دولتی باید قطع شود (اشاره وی به برکناری بسیاری از مدیران، استانداران و مقامات در رده های گوناگون از دیگر جناح های ارتجاع است) این کار نیازمند جراحی سنگین و انگیزه ای قاطع است و دولت نهم عزم واراده ملی بر انجام آن دارد، ما خواستار تقویت نقش دلسوزان انقلاب (بخوان پاسداران و دلایان) و روحانیت که از ارکان اقتدار ملی است، هستیم.»

مقایسه این دو موضعگیری گویای ژرفای اختلاف و درگیری درون حکومتی است که مبنای آن نه حقوق مردم و منافع ملی کشور که مبارزه برای تصاحب و غارت ثروت ملی و تکیه زدن بر کرسی صدارت و وزارت است.

از دیگر مسایل پر اهمیت در بررسی رخ دادهای کشور، علاوه بر درگیری جناحی و کشمکش در درون و پیرامون حاکمیت، برنامه ریزی و حرکت حساب شده مرتجعان برای سرکوب هر صدای مخالف و روزنه های باقی مانده در جامعه است. ارتجاع با فراخوانی روشنفکران و روزنامه نگاران و نویسندگان فضایی از رعب و وحشت را با سرعتی معین و تنظیم شده به کشور تحمیل می کند. اخبار گوناگون حاکی از تشدید فشارها بر نویسندگان و فعالان مستقل مطبوعاتی است، تعداد زیادی از روزنامه نگاران در هفته های اخیر به شکلی گسترده به بهانه های گوناگون احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفته اند، در مواردی این بازجویی ها همراه با هتاکی و برخوردهای خشونت آمیز بوده است. پیش از انتشار این اخبار، محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات رژیم در جلسه ای با حضور مدیران هجده نشریه روزانه، برنامه جدید این وزارت را ترسیم کرد و دستورالعمل تازه دولت در مورد گزارش های مربوط به پرونده هسته ای را به آنان ابلاغ کرد.

بنابه گفته اژه ای، قرار بر این است که، حتی المقدور نشریه ای به دادگاه مطبوعات فرستاده نشود و در سطح مدیران و مسئولان تازه ای که وزارت اطلاعات تعیین می کند تخلف ها بررسی شود. این به معنای

ادامه بحران روبه رشد رژیم ...

آن است که وزارت اطلاعات و دیگر ارگان های سرکوبگر در بازداشت، احضار و بازجویی روزنامه نگاران و فعالان مطبوعاتی و روشنفکران مترقی و آزادیخواه با دست باز و خاطر آسوده عمل خواهند کرد، در این رابطه عیسی سحر خیز از اعضای انجمن دفاع از آزادی مطبوعات خاطر نشان ساخته است: «تلاش می کنند که یک فضای رعب و وحشت ایجاد بکنند تا روزنامه نگاران همکاری شان را با رسانه های اینترنتی محدود بکنند و... حتی ما می دانیم که بسیاری از این افراد جرات این را که به نزدیکترین کسان خود بگویند، که احضارشان کرده اند، نداشته اند...».

در ارتباط با این برنامه ارتجاع، سخنان صفار هرندی وزیر ارشاد، و از جمله شکنجه گران منفور رژیم، جالب توجه است، وی در همایش سراسری ائمه جمعه در مورد اجزای مختلف برنامه ارتجاع چنین گفت: «رسانه های معینی، در حالی که هنوز چند ماهی از روی کار آمدن رییس جمهور جدید نمی گذرد، بصورتی که سابقه نداشته بحث طرح عدم کفایت سیاسی وی را مطرح می کنند، اینگونه رسانه ها باهاثاکی، این پرده دری های خود را دنبال می کنند که ما به آن توجه دادیم... در حوزه عمل تا حدودی تساهل و تسامح ناگزیر است برای اینکه فشاری فوق طاقت جامعه به مردم وارد نشود (خوب توجه شود محتوی برنامه همین است) باید تا حدی تساهل و تسامح کرد.»

این سخنان بدان معنی است که چون گذشته به یکباره دست به اقدامات خشونت بار زده نخواهد شد، بلکه با حساب و برنامه ریزی، خفقان متناسب با اوضاع پیاده می گردد. یکی از جنبه های ایجاد اختناق و پیگرد روشنفکران ترقی خواه تقویت هیات های مذهبی وابسته به رژیم و تحت امر ولی فقیه است به موازات سرکوب روزنامه نگاران و تنگ ساختن فضای سیاسی پیگیری می شود. حمایت و رواج و تقویت تکایا، نمازهای جمعه و جزاینها، در این خصوص سید رضا تقوی رییس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور گفته است: «نماز جمعه بهترین و مهمترین جایگاه برای کار فرهنگی در کشور است و ائمه جمعه نقش پدری و معنوی در جامعه دارند.»

مکمل این برنامه افزایش نقش سپاه پاسداران و بسیج در حیات سیاسی اقتصادی کشور است. سپاه از هم اکنون خود را برای سرکوب و قلع و قم مخالفان آماده می کند. در تاریخ ۱۸ آبان ماه امسال، به گزارش خبرگزاری ایسنا، «رزمایش مقابله با ناآرامی ها» از سوی گردان های عاشورا و الزهرا ناحیه شهید بهشتی به مدت سه روز با تجهیزات کامل در منطقه عمومی سرخه حصار برگزار شد. در چنین شرایطی با توجه به وضعیت خطیر کشور و مساله پرونده هسته ای جمهوری اسلامی و نیز تحولات منطقه ای، نارضایتی از اقدامات ارتجاع به نحوی قابل تأمل در حال گسترش است. انتشار بیانیه ای با امضاء ۶۷۴ نفر فعال سیاسی و کارگری دانشجویی تحت عنوان سخنی با ملت، هشدار می دهد که حاکمیت بیانگر وضعیتی است که میهن ما در آن قرار گرفته و خطر از هر سو آن را تهدید می کند. در این بیانیه به درستی بر مسایلی حساس و پر اهمیت اشاره شده است. اقداماتی از این دست گرچه در اوضاع بغرنج و دشوار کنونی قابل تقدیر و مغتنم است ولی به اعتقاد ما کافی نیست. حزب ما ضمن حمایت از چنین اقداماتی که می توان آن را مثبت نامید بر آن است، برای مقابله با ارتجاع بیش از هر چیز، جنبش نیازمند تشریک مساعی، هماهنگی و اتحاد عمل است.

حزب توده ایران راه برون رفت از اوضاع خطیر و دشوار کنونی را که مخاطرات بسیاری را برای میهن ما به همراه دارد، اتحاد همه نیروها و احزاب و شخصیت های آزادی خواه، ملی و مترقی در یک جبهه واحد ضد استبدادی ارزیابی می کند. به گمان ما همه نیروها و احزاب راستین مدافع آزادی، استقلال، تمامیت ارضی، صلح و عدالت اجتماعی در مجموع سمت واحدی را در مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم دارا هستند، اما موانع ذهنی مانع از آن گردیده از این امکان پر اهمیت تاریخی به درستی استفاده شود و صفی متحد از مبارزان راه آزادی و طرد و نفی استبداد و ارتجاع تشکیل گردد.

ما ضمن استقبال این عبارات بیانیه ۶۷۴ نفره که: «خواستار اعمال اصلاحات راستین ساختاری بر مبنای اعلامیه های جهانی حقوق بشر و الحاقیه های آن و تامین آزادی های اساسی، عدالت و حکومت قانون با همکاری و حضور دلسوزان ملت که خارج از هرم قدرت حاکمیت هستند»، می باشیم و از تمامی آزادی خواهان ایران که به استقلال و آزادی ایران می اندیشند، می خواهیم در فرصت باقی مانده پیش از آنکه در اثر سیاست های ویرانگر و واپس گرایانه ی حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال، آزادی و امنیت کشور در معرض خطر بیشتر قرار گیرد، از آن جمله در برخورد با پرونده های هسته ای و حقوق بشر (اجماع بین المللی بی سابقه بی را بر ضد میهن مان شکل داده است) و خسارات جبران ناپذیری بوجود آورد، به تلاش همه جانبه در این راه برخیزند.

ما آمادگی خود را برای همه گونه همکاری در راستای تشکیل یک جبهه گسترده و فراگیر ضد استبدادی برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی اعلام می داریم. حزب ما در این خصوص همواره با حد اعلا مسئولیت رفتار کرده و انتشار اسنادی چون منشور آزادی و جبهه واحد ضد دیکتاتوری دال بر این مدعا است.

بی شک احساس مسئولیت ملی و میهنی، وفاداری پیگیر به امر دفاع از حقوق مردم می تواند همه نیروهای آزادی خواه میهن دوست و مترقی را با وجود دشواری های گوناگون و تفاوت در بینش و اعتقادات ایدئولوژیک در یک جبهه مردمی گرد آورد. میهن ما برای آزادی و سر بلندی و رهایی از چنگال استبداد سیاه به تشکیل یک جبهه در این لحظه تاریخی نیازمند است.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ارتجاع تدارک می بیند:

«یورش همه جانبه به منافع و حقوق زحمتکشان»

قانون که از اصلاح طلبان حکومتی به یادگار مانده است کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار خارج محسوب می شوند. در نامه کانون عالی کارفرمایان آمده است: «در کارگاه های دارای ۱۰ نفر کارگر بنابه دلایلی از قبیل تعداد کارکنان، شرایط کار و وضع اقتصادی کارگاه و روابط کارگر و کارفرما، اجرای برخی از مواد قانون کار جمهوری اسلامی امکان پذیر نمی باشد.»

در همین نامه کارفرمایان قویا خواستار معافیت ۴۸ ماده و تبصره از قانون کار در کارگاه های ۱۰ نفره آنهاست. به مدت ۵ سال شده اند. بی شک این نامه با توجه به برنامه ارتجاع بر ضد کارگران از سوی وزارت کار با استقبال مواجه خواهد شد و حتی باید انتظار داشت همانگونه که جنتی در مراسم معارفه وزیر کار دولت احمدی نژاد گفته بود، با توجه به سیاست های دولت جدید، گام های عملی سود کلان سرمایه داری بویژه لایه انکلی آن تجار عمده برداشته شود.

این قبیل اقدامات و برنامه های تدارک دیده شده، به شدت بر وضعیت زندگی و شغلی زحمتکشان تاثیر منفی و مخرب باقی گذاشته و می گذارد. در این خصوص در اواسط آبان ماه گروهی از مسئولان و فعالان انجمن های صنفی کارگری اعلام داشتند، اثبات سوابق بیمه ای کارگران کارگاه های کوچک به دلیل آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، با مشکل روبروست و سازمان تامین اجتماعی تلاش قابل قبولی در این زمینه از ۲ سال پیش به این سو انجام نداده است.

در حال حاضر، دولت احمدی نژاد در راستای حمایت از کلان سرمایه داران و تقویت اقتصاد دلالی به مداخله گسترده در تعیین هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی مبادرت ورزیده است. و همین موضوع اعتراضات کارگری بسیاری را برانگیخته و موجب خشم زحمتکشان گردیده است. یکی از نمایندگان کارگران صنعت نفت در خوزستان به خبرنگار ایلنا به تاریخ ۱۸ آبان ماه یادآوری نمود: استقلال سازمان تامین اجتماعی در اساسنامه آن تاکید شده است اما اکنون دولت بر صندوق تامین اجتماعی حکم رانی می کند. شورای عالی تامین اجتماعی از ارکان مهم تامین اجتماعی می باشد، اما حضور کارگران در این شورا پررنگ نیست، از جمع ۱۵ نفره این شورا، ۸ نفر نماینده دولت، ۵ نفر نماینده کارفرمایان و فقط ۲ نفر نمایندگان کارگران هستند. همچنین یکی از نمایندگان کارگران در شهر صنعتی ساوه نیز اعلام داشت: «تامین اجتماعی متعلق به کارگران است و باید مستقل بماند اما تاکنون این سازمان توسط صاحبان واقعی اش اداره نشده و همواره دولت نقش اصلی را ایفاء کرده است... دولت باید از دخالت در امور این سازمان پرهیز کند، چرا دولت در مورد عزل و یا ادامه فعالیت هیات مدیره و مدیر عامل بدون مشورت با نمایندگان کارگران تصمیم گیری می

در هفته های اخیر با اقدام های انجام شده توسط دولت ضد کارگری احمدی نژاد، وضعیت در کلیه عرصه ها بیش از گذشته برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، تحمل ناپذیر گردیده است. برنامه هایی که در وزارت کار و امور اجتماعی و نیز مجلس ارتجاع تدوین و تهیه می شود، به طور مستقیم منافع و امنیت شغلی میلیون ها زحمتکش را به چالش می گیرد. در اواسط مهر ماه سال جاری، دبیر کل اتاق تعاون جمهوری اسلامی، در حاشیه بازدید از شهرک صنعتی تعاونی آلومینیوم و پروفیل به خبرنگاران خاطر نشان ساخت: «با توجه به تاکید مقام معظم رهبری و ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی برای توسعه راهکارهای خصوصی سازی و تقویت بخش تعاون (۱)، متأسفانه سیاست ها و اهداف مطرح شده برای توسعه اقتصادی کافی نیست و مابین موضوع را طی نامه ای به اطلاع رییس جمهور خواهیم رساند، در حال حاضر قانون کار مشکل زا است، قانون کار از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز هیچ تغییری نکرده و متأسفانه مشکلات عدیده ای را ایجاد کرده است و باید این قانون اصلاح شود.»

در پی این موضع گیری خبرگزاری فردا، به تاریخ ۱۹ مهر ماه، از تدوین طرح جدیدی توسط برخی نمایندگان برای قانون کار خبر داد. این طرح توسط ۵۲ نماینده مورد پشتیبانی قرار گرفته و آنها آن را امضاء کرده اند. تاکنون هیچیک از محافل خبری وابسته به رژیم ولایت فقیه از محتوی این طرح گزارشی ارایه نکرده اند. به علاوه به گزارش خبرگزاری ایسنا، در تاریخ اول آبان ماه، محمدجهرمی وزیر کار دولت ارتجاع در جریان مراسم افطاری که کمیته امداد خمینی برگزار کرده بود در باره قراردادهای موقت به توضیحاتی پرداخت که توجه به آن بسیار جالب و ضروری است. وی در دفاع از انعقاد قراردادهای موقت که زندگی و امنیت شغلی کارگران را به نابودی کشانده است از جمله گفت: «طبیعت کارهای موقت و شرکتهای خدماتی و پیمانکاری موقت است و به تبع یک کار پیمانکاری و خدماتی که شغلی موقت محسوب می شود و پس از مدتی به اتمام می رسد نیازمند انعقاد قرار داد موقت هستند.»

این مهره شناخته شده ارتجاع که وظیفه اصلی او در دولت تحت هدایت ولی فقیه، حمایت از منافع تجار بزرگ و دلالان بازار از میان بردن جنبش اعتراضی زحمتکشان است، با گستاخی تمام به دفاع از این قراردادها که به حق از سوی کارگران به یوغ بردگی شهرت یافته، پرداخته و می افزاید: «وزارت کار و امور اجتماعی باید با توجه به شرایط اقتصادی و اشتغال در جامعه صنفی حفظ وضعیت، قراردادهای موقت را سامان دهیم تا حق و حقوق کارگران تامین شود، رویکرد وزارت کار سامان دهی قراردادهای موقت و اهمیت بخشیدن به کار آفرینان (بخوان کارفرمایان دلال و تاجر) و ایجاد کسب و کارهای گوناگون است و در این صورت و اهمیت قایل شدن به کار آفرین (!) می توان شاهد افزایش اشتغال پایدار باشیم.»

جهرمی در همین سخنرانی در پرسشی پیرامون آن دسته از کارگرانی که مجبور هستند هر شش ماه و یا سه ماه قرار داد موقت خود را تمدید کنند و از هیچ حقی برخوردار نیستند با صراحت یادآور شد: «اینها بخش مهمی در روابط کاری نیست و فقط مشکلی کوچک از قراردادهاست!»

خبرگزاری کار ایران ایلنا، در تاریخ ۱۱ آبان ماه، گزارش داد کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان طی نامه ای به وزارت کار، خواستار تمدید آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار به مدت ۵ سال دیگر شدند مطابق این

۶۰ سال مبارزه برای آینده ای بهتر

نوشته گوین لیتل، دبیر کل سازمان جوانان کمونیست
(عضو فدراسیون جهانی جوانان دموکرات)

۶۰ سال پیش جهان در مرحله تغییرات پویایی قرار گرفت. از جمله می توان از شکست تاریخی فاشیسم، تأسیس سازمان ملل متحد، به کار گیری سلاح های هسته

ای برای
نخستین
بار، و
ویرانی و
نابودی
عظیمی که
در
هیروشیما و
ناکازاکی
به بار
آورد، نام



برد. مردم سراسر جهان هراسناک از خرابی های جنگ جهانی دوم و نیروی وحشتناک سلاح هسته ای، ولی امیدوار به امکانات فراهم آمده در پی شکست فاشیسم، چشم انتظار برپایی نظم جهانی نوینی بر اساس صلح پایدار و احترام به قوانین بین المللی بودند. به طور کلی و بویژه در بین جوانان این آگاهی وجود داشت که برای دستیابی به این هدف باید مردم همه کشورهای فعالانه در این راه بکوشند.

در چنین فضایی بود که کنفرانس جهانی جوانان، در ماه نوامبر سال ۱۹۴۵، در لندن و با آرزوی صلح برای همه جوانانی که از تازیانه های جنگ جهانی دوم رنج برده بودند برگزار شد. از دل این کنفرانس، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به وجود آمد و قرار شد که جشنواره جوانان و دانشجویان جهان از آن پس به شکل دوره ای برگزار شود. نمایندگان ۶۳ کشور جهان در این کنفرانس شرکت داشتند که هدف آن افزایش همکاری بین جوانان و دانشجویان برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و برابری بود. در بیانیه نهایی کنفرانس آمده است: «ما جوانان جهان که بنا به فراخوان شورای جهانی جوانان در این کنفرانس جهانی در لندن در نوامبر ۱۹۴۵، پس از پیروزی خلق های متحد بر فاشیسم، شرکت کرده ایم بدین وسیله اعلام می کنیم که در این روز دهم نوامبر سال ۱۹۴۵ ما فدراسیون جهانی جوانان دموکرات را بنیان می گذاریم.»

در ۶۰ سال گذشته فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

ادامه ارتجاع تدارک می بیند...

کند»

دخالت دولت احمدی نژاد این نماینده واپس گرایان کارگر ستیز به این دلیل روشن افزایش یافته است که دولت های مختلف جمهوری اسلامی بر خلاف اراده و خواست کارگران به عنوان صاحبان اصلی سازمان تامین اجتماعی، همواره میلیون ها تومان از صندوق این سازمان برداشت کرده و می کنند. دولت جمهوری اسلامی درست به همین علت به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است. بدهکاری که سربه میلیاردها ریال می زند. بی دلیل نبود که یکی از نمایندگان کارگران استان آذربایجان شرقی در مخالفت با مداخله دولت ارتجاع در امور سازمان مذکور با صراحت تاکید نمود: دولت طرف حساب سازمان تامین اجتماعی است و نباید ادعای مالکیت بر آن را داشته باشد، ما باید مساله بدهی های دولت به سازمان را پیش کشیده و خواستار پرداخت مطالبات شویم.

و این در شرایطی است که دولت احمدی نژاد به حمایت های مالی وسیع از جمکران و هیات های مذهبی مرتبط با انجمن حجیه مشغول است. این دولت از سویی چنگ به دارایی کارگران و زحمتکشان انداخته و منابع مالی صندوق سازمان تامین اجتماعی را غارت می کند و از دیگر سو میلیاردها ریال به بنگاه های دلالی، بنیادها و شرکت های مختلف تحت پوشش هیات های مذهبی اختصاص می دهد، که آخرین نمونه آن واگذاری یک کمک ۲۰۰ میلیارد ریالی برای طرح جمکران است، این مبالغ هنگفت از گلوی کارگران و زحمتکشان و خانواده های آنان گرفته و به جیب تجار و عناصر وابسته به انجمن حجیه سرازیر می شود.

دولت ارتجاع زمانی این مبالغ هنگفت را بذل و بخشش می کند که به گزارش رسانه های خود رژیم، هزاران کارگر بی دفاع و بی پناه، ماه هاست که دستمزد خود را دریافت نکرده اند. بعنوان مثال بر پایه گزارش ایلنا در اواسط آبان ماه بیش از هزار کارگر کارخانجات فر نخ و مه نخ هر روز به امید دریافت مطالبات هشت ماه (یعنی کارگران ۸ ماه بدون حقوق هستند) در سه شیفت کاری در محل کار خود حاضر می شوند. تعداد کارگران این کارخانجات به گزارش ایلنا نزدیک به ۳ هزار نفر است. همین خبر گزارشی باز هم در گزارش دیگری نوشت: «کارگران پیمان کاری فضای سبز منطقه ۱۱ شهرداری تهران، در ازای ۱۲ ساعت کار مستمر شبانه روزی تنها ۱۴۵ هزار تومان حقوق می گیرند، روز تعطیل هم، روز کاری حساب می شود، کارگران موظفند در روزهای تعطیل بر سر شیفت کاری خود حاضر شوند، زیرا در صورت عدم حضور، روز تعطیل برای کارگران مرخصی محسوب می شود، این کارگران دستمزد خود را به موقع دریافت نمی کنند و از کلیه مزایای شغلی همانند بن کارگری، حق اولاد و حق مسکن محروم هستند.» از این نمونه ها بسیار است. وضعیت کارگران و زحمتکشان میهن ما، نشانگر پوچ بودن شعارهای احمدی نژاد و مدعیات بی پایه او و حامیا واپس گرایش بویژه شخص ولی فقیه است.

با ید در نظر داشت این اوضاع به غایت دردناک و دشوار، باید تصریح کرد، رژیم بویژه دولت احمدی نژاد بر دامنه فشار خود بر جنبش کارگری میهن ما خواهند افزود، برنامه های وزارت کار و امور اجتماعی، لویح ضد کارگری در کمیسیون های مجلس ارتجاع و جز اینها، حکایت از تدارک وسیع و اقدامات سازمان یافته مرتجعان برای یورش همه جانبه به حقوق و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان دارد. راه مقابله با این برنامه ها، حفظ همبستگی در جنبش کارگری، تقویت سندیکاهای مستقل و مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی و پیوند زدن آن با جنبش سراسری دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم میهن ماست. مبارزه برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی آن هنگام توانمند می شود که، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان متحد و یکپارچه به عنوان ستون فقرات این مبارزه در صحنه حضور یابند. گسترش جنبش اعتراضی در مقیاس سراسری یک بخش از این پیکار سراسری است که باید تقویت و قوام یابد.

ادامه دولت «عدالت اسلامی» ...

تهدید آمیزی از احمدی نژاد نسبت به مجلس در میان تعدادی از نمایندگان، موجب موضع گیری شدید این گروه از نمایندگان مجلس شد. مطابق با این شایعه، نقل قولی تهدید آمیز با این مضمون که «اگر مجلس به این گزینه وزارت نفت هم رأی ندهد، مردم تکلیف مجلس را مشخص خواهند کرد» به احمدی نژاد منتسب شده است که خشم گروهی از نمایندگان مجلس را برانگیخته است.»

با عدم رأی اعتماد به تسلطی، دولت احمدی نژاد با بحران جدی روبه رو شده است. تنگ تر کردن دایره انتخاب ها به گروه بسیار معدودی از مافیای بازار و وابستگان نزدیک فرماندهان سپاه و همچنین پاکسازی های وسیع در ادارات و نهادهای گوناگون از جمله برکناری ده ها رئیس دانشگاه، مدیران بانک ها و مدیران ارشد وزارت خانه ها و حتی شماری از سفرای پر سابقه در وزارت خارجه تنش های شدیدی را در درون حاکمیت ایجاد کرده است و با مقاومت جدی نیروهایی روبه روده شده است که منافع خود را در خطر می بینند. برای روشن تر شدن ماهیت طیف کسانی که احمدی نژاد برای کسب پست های حساس پیشنهاد کرده است، صادق محصولی دومین وزیر پیشنهادی برای وزارت خانه نفت نمونه جالبی است. محصولی که پیش از رأی منفی مجلس تصمیم به انصراف داد نمونه تمام عیار آن گروه ها و لایه های است که طی دو دهه گذشته به ثروت های افسانه ای دست یافته و اینک با بر روی کار آوردن دولت احمدی نژاد در صدد تثبیت موقعیت خود در هرم حاکمیت هستند.

صادق محصولی پاسداری است که سمت های مهم و حساس در سپاه پاسداران، وزارت کشور و وزارت دفاع بر عهده داشته است. بررسی و دقت بر روی این شخص بویژه از آن رو ضروری است که به قول معروف مشت نمونه خروار است، او نماینده جریانی است که زیر نقاب عدالت خواهی و شعارهای به اصطلاح انقلابی و حمایت از محرومان با توسل به نهادهایی چون سپاه به غارت ثروت ملی و تصاحب ثروت های همگانی متعلق به مردم مشغول بوده و هستند. صادق محصولی سمت هایی چون معاونت فرمانداری ارومیه، فرمانده سپاه آذربایجان شرقی و غربی، مسئولیت تحقیق و بازرسی کل سپاه پاسداران، فرماندهی لشکر ۶ ویژه سپاه پاسداران و معاون طرح و برنامه ریزی وزارت دفاع و... در سابقه خود داراست.

وی هنگامی که در مجلس در باره ثروت های هنگفت او، سؤال شد، پاسخ داده بود: «آنچه که امام امت (خمینی) از آن نهی کرده، خوی کاخ نشینی بوده و نه کاخ نشینی و بنده حاضریم تمام اموال خود را برای آرمان های انقلاب اسلامی هزینه نمایم.» وی همچنین با صراحت یاد آور شد که، میلیاردی است و طی سال های اخیر خرید منازل قدیمی، بازسازی آنها و فروش ابنیه بازسازی شده در کنار مشاغل دولتی، از فعالیت هایش محسوب می گردد. رسانه های وابسته به رژیم ولایت فقیه بخشی از دارایی های این سردار پاسدار را از قبیل املاک اقدسیه به ارزش ۸۰۰ میلیارد ریال، سعادت آباد ۲۰ میلیارد ریال، میر داماد ۲۵ میلیارد ریال، املاک خیابان و منطقه پاسداران به ارزش ۳۰ میلیارد ریال، زمین های شمال به ارزش ۵۰

میلیارد ریال، املاک منطقه فرمانیه بیش از ۲۰ میلیارد ریال و تعداد قابل توجهی از کارخانه ها که با برنامه خصوصی سازی به او و دیگر شرکای پاسدارش واگذار گردیده و دهها شرکت از جمله شرکت هایی که در بخش نفت و گاز زیر حمایت سپاه پاسداران در مناطق مختلف از جمله حوزه مشهور و غنی گازی پارس جنوبی واقع در خلیج فارس، انعکاس دادند. این پاسدار میلیاردی فقط یک نمونه از پاسداران و شکنجه گران وزارت اطلاعات است که ثروت های هنگفت و افسانه ای در اختیار دارند. همین افراد با اقدامات فرا قانونی از جمله هدایت و نگهداری و استفاده از اسلحه های غیر قانونی در اقتصاد کشور فعال و مروج فساد مالی و فقر و بدبختی توده های مردم می باشند. جالب اینجاست که احمدی نژاد در پاسخ به نامه استعفای این پاسدار میلیاردی از جمله نوشت: «مطمئن هستم جنابعالی در هر سنگری خدمتگزار صادق برای اسلام و انقلاب اسلامی خواهید بود، علیرغم میل باطنی و اعتقاد به توانمندی، صداقت و سلامت شما با انصراف موافقم.» سلامت و صداقت در مورد فردی بکار رفته است که به گزارش خبرگزاری فردا، متعلق به مرتجعان حاکم، پاسدار محصولی زمانی که معاون یکی از وزارت خانه ها بود، بطور غیر قانونی در مصادره و تفکیک و واگذاری یک ملک مسکونی در منطقه دز شیب تهران به همراه دو نفر دیگر (نام آنها فقط «ز» و «ک» قید شده و احتمالاً از فرماندهان ارشد سپاه هستند) دخالت مستقیم داشته، که حتی دادگاه های خود رژیم این اقدام را غیر قانونی و غیر شرعی دانسته اند.

به هر جهت، این پاسدار میلیاردی، یک نمونه از فرماندهان و گردانندگان سپاه پاسداران است که تحت فرمان ولی فقیه به غارت و چپاول ثروت ملی مشغول هستند. درست به همین دلایل است که سپاه در امور سیاسی و اقتصادی مداخله می کند. هدف تصاحب میلیاردها دلار در آمد کشور و ثروت های ملی است، نفوذ روز افزون سپاه پاسداران در حیات سیاسی، اقتصادی کشور با هدف به چنگ آوردن این میلیاردها دلار است. بد نیست یادآوری کنیم، به گزارش نشریه اکونومیست، تا پایان سال جاری میلادی، ایران به لحاظ افزایش بهای نفت، چهارمین در آمد نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. بر اساس گزارش موسسه بیزینس مانیستور در تازه ترین گزارش خود در آمد ایران از صادرات نفت و گاز در سال ۲۰۰۵ را ۵۳/۴۲ میلیارد دلار بر آورد کرده است.

دولت احمدی نژاد با وجود همه ادعاهای دروغین در زمینه حرکت به سمت عدالت و گرفتن حق مردم دولت نماینده نظامیان و سرکوبگران میلیاردی شده از طریق غارت اموال کشورند. حرکت دولت جدید به سمت انحصار شدید همه اهرم های دولتی در سطح حتی انحصار رده های دوم و سوم مدیریت وزارت خانه ها و شرکت های دولتی و نیمه دولتی آنچنان وسیع و سریع بوده است که اعتراض شدید بخش هایی از حاکمیت را که منافع خود را در خطر می بینند برانگیخته است. این تنش ها بی شک بر بحران کنونی دولت و رژیم ولایت فقیه خواهد افزود. تلاش ارتجاع برای یکدست کردن حاکمیت با حرکت های افراطی با دشواری های جدی روبه رو شده است.

ادامه ۶۰ سال مبارزه ...

برای احقاق حقوق جوانان در سراسر دنیا مبارزه کرده است و آنها را به شرکت در مبارزه های ترقی خواهانه، از مبارزه پیروزمند بر ضد تبعیض نژادی گرفته تا کارزار خلع سلاح هسته ای تشویق کرده است. در طی این مدت ۶۰ سال فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به رغم مشکلات فراوان و عقب نشینی های گاه گاهی، استحکام و نفوذ روزافزونی یافته است. این فدراسیون امروزه در بیش از ۲۰۰ سازمان بین المللی مختلف در بیش از ۱۴۰ کشور جهان نماینده و در سازمان ملل سمّت مشورتی دارد. فدراسیون جهانی جوانان دموکرات نیروی اصلی برگزار کننده جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان است که حاصل اولین کنفرانس جهانی جوانان بود. اولین جشنواره از این دست در سال ۱۹۴۷ یعنی دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم در پراگ پایتخت چکسلواکی آن روز برگزار شد. خرابه های لیدیک، دهکده ای نزدیک پراگ که به طور کامل توسط نازی ها نابود شده بود، صحنه گردهمایی بیست هزار جوان از ۷۲ کشور جهان بود که به اتفاق دکترین ترومن و بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی را به شدت محکوم کردند و سوگند خوردند که هرگز اجازه ندهند که نازیسم دوباره در جهان سربلند کند. از آن زمان تا کنون جشنواره ها به طور مرتب در کشورهای مختلف جهان برگزار شده است. همین تابستان گذشته، این جشنواره در کاراکاس ونزوئلا برگزار شد که در آن پانزده هزار نفر از جوانان ۱۴۴ کشور مختلف جهان شرکت کردند. جشنواره شامل کنفرانس ها، سمینارها و کارگاه های متعدد سیاسی و اجتماعی، نشست های متعدد دو جانبه و چند جانبه و منطقه ای، انواع کنسرت ها، سخنرانی های متعدد توسط هوگو چاوز رییس جمهوری ونزوئلا، و یک سمینار دو روزه ضد امپریالیسم بود.

مبارزات سیاسی مردم آمریکای لاتین، جنگ بر ضد تروریسم و اشغال عراق، کارزار بر ضد سلاح های هسته ای، و مبارزه برای حقوق ملی و دموکراتیک مردم جهان از جمله مسائل مورد بحث در این جشنواره بودند. برگزاری جشنواره ها یکی از فعالیت های مهم فدراسیون جهانی جوانان دموکرات است. سازمان های عضو از طریق فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و هماهنگ کننده ای منطقه ای شان در مبارزات مردم در زمینه های مختلف تأثیر گذار بر سرنوشت جهان ما شرکت و فعالیت می کنند. اخیراً در اروپا کارزارها و فعالیت های سیاسی - اجتماعی حول محور ضد فاشیسم، همبستگی با کوبا، و مسائل کلیدی مشابه متمرکز شده است.

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات بر این عقیده است که مسائل پیچیده ای که امروزه جهان با آنها روبروست تنها با شرکت جوانان پیشرو و دموکرات که برای آینده ای بهتر مبارزه می کنند قابل حل است. در اواسط ماه گذشته شصتمین سالگرد بنیانگذاری فدراسیون جهانی جوانان دموکرات در همایشی بین المللی با هماهنگی اروپا و آمریکای شمالی و با حضور نمایندگان از سراسر اروپا و آمریکا در لندن برگزار شد.

در این همایش مسائل مبرمی که امروزه جوانان با آنها روبرو هستند در چارچوب فعالیت های فدراسیون جهانی جوانان دموکرات مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در ۶۰ سال آینده، مبارزات پر اهمیت و چالش های تازه ای پیش رو خواهیم داشت، ولی شعار فدراسیون به قوت و اهمیت خودش باقی است:

جوانان جهان متحد شوید! پیش به سوی صلحی پایدار!

ادامه محروم کردن مردم از تاریخ...

گسترش یابنده ارتجاع، به تلاشی برای نمایش محاکمه کمونیسم در پارلمان اروپا انجامیده است. هر چند این تحریکات با شکست مواجه شد، اما زنجیره یی از عملیات مخرب کاملاً قابل مشاهده است. تمام این عملیات دادن نشانه ای به نونازیسم تجدید حیات یابنده در حوزه بالتیک و پیروان باندرادر اوکراین است. امروز موضوع اصلی فقط خرد کردن و یا اخراج بوروکراتی گردن کلفت از بدنه قدرت، یا بازداشت پیروان فراوان زرينوفسکی نیست. اقدام عاجل برای جامعه ما نیازمند اصلاح کامل شرایط اجتماعی - سیاسی، و جلوگیری از هر نوع دست اندازی به تاریخ، فرهنگ و اخلاق ماست.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای پیشرفت سریع برنامه یی ملی برای توسعه تلویزیون پافشاری می کند. باید در راستای جلوگیری از تبلیغ خشونت، ابتذال و فساد در جامعه قوانینی گذرانده شود. برای کنترل خروجی کانال های تلویزیونی و سایر رسانه های ملی تصمیم هایی بنیادی اتخاذ شود. برای تدبیر چنین سیاستی ما شورای مشورتی متشکل از نمایندگان آکادمی علوم، اتحادیه های خلاق، احزاب عضو پارلمان و اتحادیه سازمان های غیر دولتی را پیشنهاد می کنیم. ماحمایت مالی از برنامه های ویژه برای توسعه صنعت سینما و تاتردر سطحی آراسته و هنرمندانه را، طرح و افزایش چندین برابر بودجه های دولتی برای ارتقا سطح موزه ها، فعالیت های فرهنگی، فرهنگ، علم و آموزش در سال آینده را پیشنهاد می کنیم. ما اعتقاد داریم باید سازوکاری عمومی برای نظارت بر توزیع این هزینه ها سازمان داده شود. فرهنگ، آموزش و تلویزیونی اخلاقی، شرایط ضروری حفظ کشور و وارد شدن به قرن بیست و یکم اند. تشویق فساد اخلاقی جاده ای است به سوی تحقیر روحی و در نهایت فروپاشی اجتماعی.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه، ضروری می داند که رئیس جمهوری، دولت، دوما، دولتی و شورای عالی فدراسیون مواضع خود را رسماً در مورد مسائل فوق اظهار نمایند. بدون موضع روشن در مورد این مسائل، گفتگو درباره حفظ حافظه تاریخی، گفتگو درباره حقوق بشر و گفتگو برای رعایت احترام به حقوق افراد غیر ممکن بوده و آشتی ملی را در روسیه عقیم خواهد گذاشت.

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه
گنادی زیویگانف

۱۳ مهرماه (۱۳ اکتبر ۲۰۰۵)

بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه

محروم کردن مردم از تاریخ، محکوم است

نیست. چنین اظهاراتی هر گز بدون تایید مقامات ارشد بیان نمی شوند. ما سابقه هتک حرمتی بسیار خطرناک از تاریخ خود را داریم. اولیای امور آموخته اند زمانی که عملکرد های انتخاباتی مطابق میل شهروندان نیست به ساختن «سیاستی مجازی» روی آورند. آن ها یاد گرفته اند اقتصادی جعلی خلق کنند که طی آن بر خلاف روند آشفته واقعی اقتصاد، نمایش «رشد موفقیت آمیز» جایگزین شده است. در آینده ممکن است ما نظاره گر تلاشی باشیم که تاریخ مردمان را طوری به تصویر بکشد که همگی تبدیل به ایوان های مخوفی بشوند. هیچ چیز خطرناک تر از چنین سیاستی نیست. یک ملت، اجتماعی از مردمی است که دارای زبان، تاریخ و فرهنگ مشترکند. ملتی رانده شده از سرزمین خود، می تواند زنده بماند ولی ملتی محروم از تاریخ خود و آرزومند پایداری، در انزوا سقوط کرده و در چاه نسیان فرو می رود.

با وجود اظهارات رسمی درباره نیاز به حفظ یکپارچگی روسیه و بر خلاف بیانیه های وطن پرستانه در مورد میهن کبیر، ما در مدت کوتاهی شاهد سومین اقدام تحریک آمیز علیه تاریخمان هستیم. نخستین اقدام، لغو تعطیلی سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی بود. پس از آن دومای دولتی به تحریک حزب روسیه متحد قانون لغو پرچم پیروزی را گذراند. دومای دولتی برای پرچم مقدس داس و چکشی که بر فراز رایشتاگ برافراشته شده بود جایگزینی را تایید کرد. این قانون در حقیقت چیزی جز تحقیر نسل های برنده جنگ نبود. آن ها اکنون تصمیم دارند تحقیر دیگری را به جراحات وارده بیفزایند. اولیای امور در صدد بر گذاری مراسم اعدام پس از مرگ لنین هستند که نام او الهام بخش قهرمانان جنگ کبیر میهنی، فاتحان فضا و سازندگان کشوری قدرتمند بوده است. تحریف کنندگان داخلی تاریخ ما، هم سو با منطق تحریف کنندگان غربی تاریخ ما عمل می کنند. فعالیت

فدراسیون روسیه با مسائل حل نشده بنیادینی مواجه است. اظهارات ریاست جمهوری از افزایش مرگ و میر وسط ناخوش آیندی از فقر و مشکلات کودکان حکایت می کند. اما این گفتار را اعمال واقعی برای حل آنها دنبال نمی کنند. مشکلات دردناک، در جهت تکثیر و تعمیق ادامه دارند. جمعیت فدراسیون روسیه، تنها در چهار ماهه اول سال جاری، بیش از ۳۴۰۰۰۰ نفر کاهش یافته است. این بدان معنا است که کاهش جمعیت به بالای یک میلیون نفر در سال جاری خواهد رسید.

اولیای امور برای حل این مشکلات چه تدابیری اندیشیده اند؟ اقدامات موثر برای اصلاح این شرایط کجایند؟ مقامات رسمی به جای پاسخ به این سئوالات، در انتظار عمومی سرگرم نیش قیرهایند. آن ها عمداً در تلاش بدتر کردن وضعیت در جامعه بی هستند که قبلاً دچار انشقاق شده است. فرستاده ویژه ریاست جمهوری به ناحیه مرکزی، گریگوری پلتاوتسکو در انتظار عمومی اظهار می دارد که باید یادبود میدان سرخ نابود و جسد لنین دوباره به خاک سپرده شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه سخنان گمراه کننده فرستاده ریاست جمهوری را غیر مسئولانه، تحریک آمیز، توهین به احساس شهروندی، و به چالش کشیدن تاریخ کشور در افکار عمومی ارزیابی می کند. بر اساس آخرین داده های نظر سنجی عمومی، بیش از ۵۸ درصد روس ها نقش لنین را در تاریخ روسیه مثبت و تنها ۲۱ درصد آن را منفی ارزیابی می کنند.

این اظهارات نشانه ای از فساد و کلبی مسلکی مقامات روسیه است. ظاهراً کشتار بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر از مردم در «چچن» برای آن ها کفایت نمی کند. ترازوی «بسلان» کافی نیست. انهدام خانه ها و تشییع جنازه های بی پایان کافی نیست. آن ها اکنون با دستان کثیف و سرهای مستشان، در حال دست اندازی به مقدس ترین مقدس ها، یعنی میدان سرخ هستند که بیش از ۴۰۰ قهرمان عصر پر افتخارات اتحاد جماهیر شوروی در آن آرام گرفته اند. در حقیقت بی کفایتی و ناتوانی بوروکرات ها برای گلاویز شدن با مشکلاتی که نیازمند راه حل بنیادی هستند، جای خود را به غوغا سالاری در مورد موضوعاتی داده است که برای مردم عادی در حکم «تابو» هستند. تخریب گور مردگان نشاندهنده ذهنی آسیب دیده است. کسانی با چنین تصویری از مصالح دولتی، حق اشغال مقامات بالا و نمایندگی پارلمان را ندارند.

باید به کسانی که حقایق ابتدایی را فراموش کرده اند یادآور شد که جسد لنین دو متر زیر زمین و کاملاً مطابق قوانین جاری در روسیه دفن شده است. در سراسر اروپا تعداد زیادی از چنین خاکسپاری هایی وجود دارد. تصمیم به باقی نگاه داشتن جسد لنین بیانگر خواست عمومی خلق ها بود. این تصمیم توسط عالی ترین مقامات دولتی در کشور، کنگره تمام خلق های شوروی اتخاذ شد. میدان سرخ و مقبره های تعبیه شده در آن، توسط یونسکو در لیست آثار تاریخی محافظت شده جهان قرار دارند. این هتک حرمت اراده خلق و خاطره لنین، صرفاً عملکرد چاپلوسانه یک دولتمرد

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۵۰۰ دلار

مصطفی چمنی آرش

۱۰۰ یورو

ی.د. برنا از هلند

۵۰ یورو

قوناخ

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 726
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

22 November 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse